

پاسخ ادبیات عمومی

الف:

- 1 - هرگز از پادشاه نمی ترسم
- 2 - نمی دانست کجا ساکن شود
- 3 - شکسته خاطر شد و به خود آمد
- 4 - همه تلاوت کنندگان یا پیروان قرآن و شب زنده داران عابد بودند
- 5 - گفت انسان عاشق و آشفته از ماه دور باشد بهتر است
- 6 - برایم ممکن نشد که به درگاه دوست برسم مقداری از مسیر را با جسم توان خود رفتم ما بقی را با فکر و اشتیاق زیاد طی مسیر کردم
- 7 - کاری مکن که دچار مشکل و گرفتاری شوی و جهان به این بزرگی برایت کوچک شود
- 8 - مگرگریه و زاری انسان های مظلوم و ضعیف قدرت ظالمان را تمسخر نمی کند؟
- 9 - بزرگترین عاشقان که انسانهای آزاده ای هستند جان خود را از دام تعلقات رها می کنند
- 10 تا کی گرفتار غفلت ها و تعلقات دنیوی هستی بیدار شو که عمر سپری شد و آگاه نشده ای
- 11 تنها کسی که از خود بی خود شده باشد محرم درگاه عشق است همان گونه که زبان مشتری جز گوش ندارد

ب:

- 1- شب بیداری و شب زنده داری
- 2- خشمگین
- 3- بی دین , ملحد, دهری
- 4- بلبل , عندلیب

ج:

- 1- دربی خبری از خود و سرمست حق بودن
- 2- غم مصراع اول غم منفی و ماتم است اما غم مصراع چهارم غم مثبت و ستایش شده است
- 3- جای سوزن انداختن نیست

- 1 - یاد نکردن
- 2 - از خود بی خود شدن و مدهوش شدن از شوق دیدار یار
- 3 - اگر بادید عاشقانه بنگری جز زیبایی چیزی نمی بینی
- 4 - باران - اضافه استعاری
- 5 - هم به معنای گل و شکوفه عمر و هم فصل جوانی

د:

- 1 - الف : ماهی : عاشق : آب : عشق
- ب: تباه و بیهوده گذشتن
- ج: پخته : عاشق : خام: کسی که از عشق بی بهره است

- 2 - درباره جمشید و ادعای خدایی کردن او
- 3 - الف
- 4 - رهایی از عشق ممکن نیست
- 5 - به عیوق بر شدن
- 6 - تمام موجودات و هستی تسبیح خداوند را می گویند
- 7 - 1- سپری شدن عمر 2- گذشتن معشوق

۵:

- 1- سرگرم باش
- 2- تضاد و جناس تام و تشبیه
- 1 - اکسیر عشق : تشبیه مس: استعاره از وجود بی ارزش
- 2 - علت سریع گذشتن عمر برای فرار از چنگ حوادث روزگار است

و:

- 1_ شاهنامه ابوالموید بلخی 2- شاهنامه ابو منصور
- 2- الف: محمد بن منور ب: غلامحسین یوسفی
- 3- نظامی قرن ششم

4- اسدی توسی - پروین اعتصامی

3 - امیر خسرو دهلوی و وحشی بافقی

۵-

- 1 - روز فراق را که نهد در شمار عمر
- 2 - فهم---- شبه
- 3 - صیدمن --- کمند نظر
- 4 - از آتش دوزخ بودش روی رهایی